



مقصود و هدف انسان در آیین مزدیسنا

هنگامه تابش نیا

است و باید همیشه تن خود را آماده و سالم نگه داریم تا وظائف زندگی خویش را به انجام رسانیم. با انجام دادن کارهای نیک، دیگران را یاری کنیم و با نادانی، بدی و فقر به مبارزه پردازیم. برداشت این دین از زندگی، برداشتی شادمانه است و شعار این دین این است که همه چیز باید به اعتدال باشد و انسان که در ایجاد این اعتدال نقش مهمی را ایفا می کند هدف حمله های شر است و وظیفه مومنان این دین غلبه بر این حمله هاست .

جهان مادی و تن و شادمانی آفریده های خدا هستند . وظیفه دینی انسان است که از آن ها نگاهداری کند و آن ها را گسترش دهد و از آن ها بهره گیرد. زرتشتیان اعتقاد دارند که در پیروی از این طریق، جبری در کار نیست . اعتقاد به سرنوشتی از پیش مقدر شده که در آیین زروانی و در فرقه هایی از دین اسلام رشد و نمو می یابد از دید اخلاقی زرتشتیان نکوهیده است . زیرا این کار

در نظر زرتشتیان خدا خیر مطلق است و اساساً با بدی مخالف است و با آن هیچ گونه ارتباطی ندارد . در دین مزدیسنی خدا سرچشمه همه خوبی هاست . آفریدگار آسمان و جهان و انسان و منبع زندگی و تندرستی و زیبایی و شادی است . خدا جهان را آفرید که یاور او در نبرد باشد و برای هر چه می کند دلیلی دارد . جان می تواند میدانی برای معبود خوبی و بدی باشد اما ذاتاً نیک است و اگر شر، آن را تباه نکند مشخصات آفریننده خود را که با نظم و هماهنگی عمل کرده می نمایاند . انکار بنیان نیک جهان مادی یکی از بزرگترین گناهای است که یک زرتشتی می تواند مرتکب شود . بنابراین اعتقاد ندارند که تن یا ماده سرانجام مقهور خواهد شد ، بلکه به اتحاد آرمانی ماده و روح قائلند ، آنان نه به انتظار پایان جهان بلکه در انتظار بازسازی جهان به دست خدا هستند .

این دین به ما می آموزد که کار ، هدف و مقصود زندگی



گسترش و آفرینش فرهنگ و دانش راستین ، انجام گیرد هماهنگی با نیروی آفرینندگی پروردگار یکتا و نبرد و پیکار با نیروهای ویرانگر و اهریمنی است . این همان کاری است که « اشو زرتشت » پیروان خود را به آن واداشته و موظف کرده است. پرستش خداوند و ستایش حق برای خشنودی و رضایت او نیست که پروردگار نه احتیاج به حمد آفریدگان دارد و نه به معرفی و شناسایی خویش، مقصود و هدف ، پرورش انسان است .

زرتشت در ستایش اهورامزدا ، سرودهایی دارد که در عین حال برای یارانش آئین زندگانی و راهنمایی نیک است . زرتشت در گاتاها درباره مراسم و چگونگی مراسم سخنی به میان نمی آورد. او در بند ۲۲ - ۵۱ گاتاها می گوید:

نزد من هر کسی از روی راستی رفتار کند

مزدا اهورا آن کس را در نیایش بهتر می شناسد

از چنین کسانی، چه آنان که بوده اند و چه هستند

من با نام یاد خواهم کرد و با مهر و محبت گرد آنان خواهم گشت.

و در فروردین یشت نیز نام برجستگانی را که به دین خدمت کرده اند ، ذکر کرده و از آنان ستایش می کند .

زرتشتیان را به طور مشترک ، اما نادرست به عنوان پرستندگان آتش خوانده اند. آن ها خود با تمام وجود آن

را رد می کنند . آن ها آتش و به خصوص خورشید را به عنوان سمبل خدای نور و پاکی نگاه می کنند . برای همین

گفته شده که آتش در واقع عبارت است از :

۱ - عدالت : میزان و معیاری که بنیاد عالم بر پایه آن استوار است مثل آن چه در اسلام داریم . بالعدل قادر السموات و الارض

۲ - اخلاق : به عبارتی آتش را معرف اخلاق می دانند که

از عدل و نیکی خدا می کاهد . آن ها معتقدند هر کسی آزاد است که خوبی یا بدی را بر گزیند ، پس هر کسی نیز باید مطابق با اندیشه ها و گفته ها و کرده های خود او داوری شود . اقامت اهریمن در جهان در تن مردمان است . هنگانی که او در تن آدمیان اقامتگاهی نیابد در جهان نابود می شود .

پیوستگی خدا و انسان :

در فرهنگ زرتشتی ، فرد علاوه بر خودشناسی باید طبیعت و موجودات گیتی و محیط خود را تا آن جا که می تواند به خوبی شناسایی کند و به دنبال ستایش اهورامزدا و تجلیات او باشد . از دیدگاه دین زرتشتی ، انسان می

باید همپا با نیروی خلاقه جهان هستی ، زندگی ، کار و

اندیشه اش ، پیوسته در حال خلاقیت باشد . زندگی بدون

آفرینندگی ، تیره و خاموش و مرگ آور است . کاشتن یک

گل و درخت تازه تا نوشتن یک مقاله و کتاب یا ساختن یک آهنگ و ایجاد یک هنر ، زادن یک فرزند و فرآورد یک

محصول ، همه در خدمت و یاری به آفرینش است . واپس گرایی ، کهنه پرستی و خشک اندیشی در آرمان زرتشتی

و ایرانی نکوهش شده است . انسان باید پیوسته برای بالا بردن توان جسمی ، عقلی ، روحی خود ابزار و آلات و

شیوه و وسایل تازه بیافریند و برای بهره برداری بهتر از آن ، مردم چاره های تازه بیندیشند و راه های نو بیافرینند .

انسان باید برای همزیستی با یکدیگر و ایجاد تمدن پاک و پویا و عام المنفعه ، پیوسته در تلاش باشد . هر گونه کاری

که به آبادانی ، بهسازی و پاک سازی طبیعت اطرافش یاری کند ، از دیدگاه آرمان پارسایی و دین زرتشتی نیک

و ستوده ، بل بایسته است و تلاش و کوششی که برای

ها به سمت ماه، اگر ماه نباشد به سمت چراغ، به هر شکلی خوابیده و ایستاده و ... نماز می‌خوانند، نمازهای نافله هم دارند ولی نماز ایشان رکوع و سجده ندارد و بر خلاف بعضی ادیان هم روزه ندارند چون بر این اعتقادند که جسم ظرف روح است و برای این که روح خوب کار کند باید جسم هم خوب کار کند اگر آن را ضعیف کنیم روحمان هم ضعیف می‌شود.

محتوای نماز سه مطلب را در بر دارد:

۱ - تکریم اهورامزدا و تکیه بر یکتایی او

۲ - تکریم زرتشت یا دین یاران

۳ - تکریم نمازگزاران مهم ترین مراسم عبادت در دین زرتشتی

در آئین زرتشتی ارکان اعتقادی آن‌ها همان گونه که ذکر شد ایمان به یکتایی اهورامزدا و رسالت «اشوزرتشت» و هم چنین باور به روز رستاخیز از مهمات است. همان اصولی که در دین مبین اسلام، توحید، نبوت و معاد ذکر گردیده است.

«سموئیل لنگ» در گزارش خود از مراسم عبادی زرتشتیان بیان می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که طرز ستایش زرتشتیان دارای عالی ترین فلسفه روحانی و اخلاقی می‌باشد زیرا در مذهب زرتشت ستایش یعنی شناختن همه نیکی‌ها و زیبایی‌های صوری و معنوی بدین ترتیب است که هر زرتشتی در دعای خود می‌گوید: شود که ما با همه نیکان و راستان هفت کشور زمین همکار و انباز شده در بهتری و نیکی جهان و جهانیان بکوشیم.»

در تعلیمات اشوزرتشت مقصود خلقت و زندگانی این است تا هر فردی در آبادی جهان و شادمانی جهانیان کوشیده،

از این جهت با مفهوم راستی منطبق است و تعیین کننده مصادیق رفتار، گفتار و اندیشه نیک است. هر جا صدق ادعایی می‌خواست ثابت شود آتش را معیار قرار می‌دادند. به عنوان مثال آزمایش آتش یا همان «ورداغ» بود که هر کس ادعایی می‌کرد برای صدق ادعایش او را در آتش «ورداغ» می‌انداختند و داوری را بر اساس آن قرار می‌دادند، یعنی اگر آتش شخص مدعی را نمی‌سوزاند او راستگو و اگر آتش او را می‌سوزاند او در ادعایش کذاب بود.

۳ - آفرینش: از سوی دیگر مفهوم آتش در اوستا گویای وضعیت هستی شناسانه عالم است. به عبارت دیگر آتش بن مایه آفرینش است، همه چیز در درون خودش برخوردار از آتش است. در آسمان، زمین، گیاه، حیوان و انسان عنصر آتش وجود دارد. در مراسم دینی آتش بزرگترین عامل است. آتش از زمان قدیم در زندگی و عبادات قوم هند و اروپایی عامل مهمی محسوب می‌گردیده است ولی زرتشت به آن جنبه اخلاقی و معنوی داد و آن را علامت و نشانه زنده ای از پاکی و طهارت دانست. به اعتقاد زرتشتیان توجه آنان به آتش دلیل بر آتش پرستی نیست بلکه نظیر توجه مسلمین به قبله و احترام مسیحیان به صلیب می‌باشد. اما از آن جا که آتش عنصری زنده است و اگر بدان توجه نشود خاموش شده و می‌میرد، لذا بهتر می‌تواند به عنوان مظهر و نمونه چیزی مورد تجسم قرار گیرد و از این روست که توجه و احترام به آن در اساس پرستش های دینی ریشه عمیق دوانده است.

زرتشتیان نماز خود را به سمت نور می‌خوانند، جهت جغرافیایی ندارد که بتوان گفت شرق است یا غرب، کانون آن‌ها نور است. روزها به سمت خورشید و شب



بنابراین بی جا نیست اگر زرتشتیان عقیده داشته باشند: « زرتشت کسی است که برای سعادت جهان خاکی به ما راه راست بنموده و برای رستگاری در عالم معنوی به سوی آفریدگار حقیقی (اهورامزدا) دلالت نمود»

زرتشت پس از این که خداوند را هستی بخش (اهوره)، همه دانا (مزدا) و دادگر (اشه)، فراگیرنده و دهنده همه خوبی ها (سپنتامینیو) معرفی می کند، شش صفت بنیادی دیگر برای خداوند بر می شمارد و هم چنین می گوید که پرتوی از این صفات در آدمی نیز وجود دارد. این صفات که در قالب « امشاسپندان » بیان گردیده عبارت است از:

۱ - وهیشتامن (بهمن) : که به معنای بهترین منش و



خود را به وسیله اندیشه و کردار و گفتار نیک قابل عروج به عالم روحانی و رسیدن به اوج کمال و سعادت جاودانی نماید. هر شخص باید قوای خود را صرف خدمت و سعادت دیگران نماید و موجبات آسایش آنان را فراهم آورد تا بتواند خود و جهانیان را به سعادت رساند. اولین وسیله و نخستین مرحله، شناخت خود و معرفت کامل به نفس خویش است تا بتواند در میان دیگران یک سلطنت روحانی تشکیل دهد زیرا انسان ها پرتوی از فروغ بی پایان و نشانه ای از حقیقت جاودان می باشند و چون در حقیقت وجود دقت کنیم و بر اسرار مکنون پی ببریم پرده دویی و حجاب جهل از پیش چشم ها برداشته خواهد شد و به اسرار و حقایق پی خواهیم برد که خرد را در آن جایگاه راه نیست. از این جاست که علماء وحدت وجود انسان را عالم صغیر می خوانند و بسا اسرار لاینحل در آن موجود می دانند. بدین ترتیب است که زرتشت تعلیم می دهد روحی که در بدن های آدمیان ساکن است از مرکز حقیقت صادر گردیده و پرتوی است مقدس و جاودانه که در عالم بالا نازل و در اجسام ظاهری ساکن شده و این جان فانی و جهان سپنج نشانه ای است از عالم روحانی و ملکوت جاودانی ایزدی. از این روی است که مزدیسنا به جهان مادی به نظر حقارت ننگریسته و مانند سایر ادیان پیروان خود را از دلبستگی به جهان و عیش در زندگانی مجلل باز نداشته زیرا همان طور که انسان دارای جسم و روح است باید از خوشی و شادمانی جسمانی و روحانی نیز بهره مند باشد. زرتشت تنها به فلسفه و تعلیم روحانی اکتفا ننموده بلکه کاملاً طرفدار خوشی و سعادت بشر و زندگانی اجتماعی است و به همین دلیل از گوشه گیری و انزوا متنفر است.



و خودشناسی است . آدمی می تواند با خرد و مهرورزی ، به توانایی سازنده دست یافته و با آن توانایی به کمال و سرانجام به جاودانی برسد .

بنابر اندیشه های زرتشت ، آدمی نماینده خداوند است بر روی زمین ، که کار آفرینش و سازندگی را هم چنان ادامه می دهد . پیش از پیدایش انسان ، تکامل سیاره ها حاصل فعل و انفعالات تمام نیروهای طبیعی و کیهانی بود آنچه که از اوستا بر می آید انسان از هنگام پیدایش ، زندگی زمینی را به موجب تطبیق آن بر اساس نیازمندی هایش و بر پایه دریافت و ادراکش از قوانین طبیعی و کیهانی دگرگون کرده است .

زرتشت وسائل نجات و راهی که ما را به سرچشمه حیات ابدی می رساند در تحصیل صفات امشاسپندان موعظه کرده است . هر انسانی با عزم راسخ و ثبات در ایمان ، روح فناپذیر یعنی آن شعله معنوی که به خاطر هر یک از ما زن و مرد بدون استثناء به ودیعه گذاشته ، قادر است این صفات ایزدی را فراگیرد .

اهورامزدا با عنایت خرد و قدرت تمیز مسائل به آدمی ، لطف و محبت بزرگ دیگری را به او ارزانی داشت که آن اراده و اختیار است . طبق نظریات منعکس زرتشت در گاتاها ، سرنوشت ، کوچکترین دخالت و نفوذی در رفتار و آتیه بشر ندارد . یکی از مشخصات بسیار جالب پیام زرتشت که همه محققین بلا استثنا آن را تأیید می کنند وجود آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه خویش است . در گاتاها انسان آزاد آفریده شد و اوست که به اختیار سرنوشت خود را شکل می دهد . حتی پیروان دروغ نیز راه خود را انتخاب می کنند . هر تسفلد معتقد است نه تنها در مسائل اجتماعی که حتی در عبادت نیز زرتشت به یک

خرد مقدس است . وهیشتامن ، گوهر خرد جهانی است . همه آدمیان با صفت و توانایی منش نیک پدید آمده اند .

۲ - اشه وهیشته (اردیبهشت) : که به معنای راستی و درستی است . اشه وهیشته ، راستی جهانی و قانون دگرگون ناپذیری است که آفرینش را نظم می دهد . اشه نشانه خواست اهورایی است . اشه راه راستی است و پیوندگان آن راه به خوشبختی می رسند .

۳ - خشترایویریا (شهریور) : سومین صفت اهوره مزدا به معنی توانایی برگزیدنی است . اهورامزدا که بر همه چیز تواناست ، تواناییش را جز در راه سازندگی ، بخشندگی و مهر به کار نمی برد و کسانی که با خرد (وهومن) و راستی و داد (اشه) رفتار کنند به توانایی سازنده دست می یابند ، و این توانایی آنان را از گرایش به بدی ، خشم و کینه توزی باز می دارد .

۴ - سپنتا آرمیتی (اسفند) : چهارمین صفت بزرگ اهوره مزدا است . سپنتا به معنای افزایشده و آرمیتی به معنای آرامش ، هماهنگی و مهر است . و دو واژه با هم به معنای آرامش افزایشده است . سپنتا آرمیتی برادری جهانی است که از راه مهر ، خدمت بدون انتظار پاداش ، فروتنی و همدردی با دیگران به دست می آید .

۵ - هئورتات (خرداد) : که به معنای رسایی و کمال است . اهوره مزدا گوهر کمال است . او همه خوبی ها را در خود دارد . کمال ، نمادی از خودشناسی « اهورامزدا » است .

۶ - امرتات (مرداد) : به معنای بی مرگی است . اهورامزدا ، بی آغاز و بی انجام و جاودانی است . در اوستا ، امرتات و هئورتات بیشتر جاها با هم آمده اند و این نشانه آن است که راه رسیدن به بی مرگی ، نائل شدن به کمال ، رسایی



پرستش مختار و آزاد معتقد است .
 اشوزرتشت در گاتاها می گوید : « کسانی که از نیروی
 خرد ایزدی و نیک اندیشی راستی برخوردار باشند ، در
 انتخاب راه نیک کامیاب گردند و به پاداش آن در دو
 جهان بهره نیک یابند . »
 « ای اهورامزدا تویی آفریننده جهان مادی و خرد مینویی
 و تویی که به مردم جهان اختیار گزینش نیک و بد را
 دادی تا بنا به میل خود به سوی رستگاری شتابند یا به
 گمراهی گرایند . »
 اشوزرتشت از آدمی انتظار دارد که با استفاده از خرد خود
 از آزادی اراده حداکثر استفاده را کرده و بدین وسیله خود
 را بیش از پیش پاک تر و داناتر و بی غل و غش تر نماید .
 در دین زرتشت به قدری روی آزادی اراده تأکید شده که
 بعضی ها این کیش را « آئین آزادی اراده » خوانده اند .
 اهورامزدا یکی شد که مقصود اصلی از زندگی همین امر
 در نهاد هر یک از افراد بشر چه زن و چه مرد ، چه غنی و
 چه فقیر ، ذره ای از انوار خورشید اهورایی ساکن است .
 و آن پرتو خدایی را به هر اسمی که بخوانید خواه روح ،
 خواه وجدان یا روح القدس یا هوش و عقل ، پرتوی است
 مینوی که در وجود ما به ودیعه نهاده شده و سبب عمده
 ترقی و کمال ماست و قوه فائقه ای است که از مبدأ اصلی
 خود جدا شده و برای مدت محدود معینی در عالم سفلی
 در بدن های خاکی ما منزل گزیده است. این قوه ای است
 که ما را به درجات عالیه ارتقاء داده و از حالت حیوانی و
 انسانی به عالم فرشتگان می رساند . این است که زرتشت
 عقیده دارد این ذره مینوی قادر است که طی زندگانی
 دنیوی ما را به سر منزل سعادت و خوشی راهنمایی نماید
 و در عالم آینده به دوستی اهورامزدا پیوند سازد . بدین
 ترتیب به نوعی با هدف خلقت هماهنگ شده می توان با
 اهورامزدا یکی شد که مقصود اصلی از زندگی همین امر
 در نهاد هر یک از افراد بشر چه زن و چه مرد ، چه غنی و
 چه فقیر ، ذره ای از انوار خورشید اهورایی ساکن است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

منابع:

- ۱- شناخت اساطیر ایران/ جان هیلز/ ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی
- ۲- زروان/ آ.رسی. زئر/ ترجمه تیمور قادری
- ۳- زرتشت، مزدیسنا، حکومت/ جلال الدین آشتیانی
- ۴- پیام زرتشت/ علی اکبر جعفری
- ۵- ادیان زنده ج هان/ رابرت هیوم. ترجمه عبدالرحیم گواهی
- ۶- مینوی خرد/ احمد تفضلی
- ۷- اخلاق ایران باستان/ دینشاه ایرانی
- ۸- یسنا، گزارش پورداوود/ به کوشش بهراه فره وشی
- ۹- دیدی نو از دینی کهن/ فرهنگ مهر
- ۱۰- اوستا، کهن ترین گنجینه مکتوب ایران/ هاشم رضی
- ۱۱- جهان بینی زرتشتی/ رستم شهرزادی